

تضمین‌های برجام عملی است اگر سیاست را به اقتصاد گره بزنیم

یک ضرب‌المثل فرنگی می‌گوید «عالی نمی‌تواند دشمن خوب باشد!». برجام هم عالی نیست ولی خوب است چرا که فرصتی بود و همچنان هست تا ما اقتصاد خود را از انزوا خارج کنیم و به اقتصاد کشورهای مهم دنیا گره بزنیم. یکی از روش‌های غیرسیاسی بهره‌گیری از اقتصاد سیاسی است. کشورها منافع اقتصادی رقبا و حتی دشمنان خود را به اقتصاد و امنیت اقتصادی خود گره می‌زنند. برجام هم نباید از این قاعده مستثنا می‌شد.

به گزارش سایت خبری پرسون، امید خزانی، روزنامه‌نگار نوشت: تاریخ مذاکرات احیای برجامی سرانجام اعلام شده است. برخی تحلیل‌گران سیاست ایران با بدبینی مذاکرات آتی را طولانی و حتی فرسایشی پیش‌بینی می‌کنند به طوری که نه شکست آن اعلام شود و نه توافقی حاصل شود.

در برخی تحلیل‌ها دلیل تأخیر در آغاز مذاکرات از طرف ایران افزایش سطح فعالیت‌های هسته‌ای و دور شدن از مفاد توافق ۲۰۱۵ با هدف افزایش قدرت چانه‌زنی و تاکتیکی است. اما موضوع این نوشتار تضمین‌های دراز مدت اجرای توافق است که ایران بر آن اصرار دارد:

۱. مهم‌ترین چالش پیش روی مذاکرات برجام در وین تضمین‌های درخواستی ایران مبنی بر عدم خروج دولت‌های بعدی آمریکا از توافق احتمالی است و البته دغدغه درستی است. دل‌سوزان و بزرگان ایران در این زمینه نوشته و نظرانی داده‌اند. دربارهٔ اخذ تضمین عدم خروج آمریکا حتی پیشنهاد شده است "ایران یک طرفه اعلام کند در صورت نقض برجام از سوی طرف مقابل ایران نیز متقابلاً و به سرعت واکنش نشان داده و فلان یا بهمان کار را انجام خواهد داد و این تنها را تضمین‌پذیری برجام است!"

چنین نظرانی تا حدی کارایی دارند اما توافقات بین‌المللی پیچیدگی‌های فنی و حقوقی زیادی دارند و تاکتیک‌های سیاسی منحصرأ جواب‌گوی این پیچیدگی‌ها نیست. یکی از روش‌های غیرسیاسی بهره‌گیری از اقتصاد سیاسی است و در غالب آن کشورها سعی می‌کنند منافع اقتصادی رقبا و حتی دشمنان خود را به اقتصاد و امنیت اقتصادی خود گره بزنند. برجام هم نباید از این قاعده مستثنا می‌شد.

۲. اتحادیه اروپا در مورد برجام بالاترین سطح حمایت قانونی را از آن در قالب تصویب regulation که در همه ۲۸ کشور اتحادیه لازم‌الاجرا بود- انجام داد که بسیار بالاتر و قدرتمندتر از Directive است که مستلزم تصویب جداگانه در کشورهای عضو است- تا بتواند حمایت همه کشورهای عضو اتحادیه تضمین کند. اما در آمریکا برجام در قالب executive order یعنی دستورات اجرایی رییس جمهورمانند -که در جای خود بسیار قدرتمند هستند و فراتر از مداخلات کنگره و سنا عمل می‌کنند- اما به treaty یا معاهده تبدیل نشد که مستلزم تصویب در کنگره و سنا هستند. اوباما فاقد چنین حمایتی در سنا بود و بایدن نیز دارای حمایت شکننده‌ای در سنا آمریکا است که بتواند توافق احتمالی با ایران را به معاهده‌ای تبدیل کند که رییس جمهور بعدی با دستور اجرایی به سادگی از آن خارج نشود!

فرنگی‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گویند "عالی نمی‌تواند دشمن خوب باشد!"؛ برجام عالی نیست ولی خوب هست. برجام فرصتی بود و همچنان هست که ما اقتصاد خود را از انزوا خارج کرده و به سرعت به اقتصاد کشورهای مهم دنیا گره بزنیم و در واقع مهم‌ترین تضمین حفظ برجام و یا هر توافق و یا حتی معاهده‌ای از خطرات آتی همین هنر گره زدن منافع سایر کشورها به منافع خودمان است.

توافق هسته‌ای ایران حتی به فرض محال اگر به معاهده هم تبدیل شود رییس جمهور آینده آمریکا با حمایت دو حزبی "نداشد" رای موافق دوسوم سنا- می‌تواند از آن خارج شود بنابراین سیاست را با "اقتصاد گره زده" باید تضمین کرد. همان کاری که در دنیای امروز ما چینی‌ها با ذکاوت تمام آن را اجرا کرده‌اند و اقتصاد آمریکا، اروپا و روسیه را چنان به اقتصاد خود گره زده‌اند که هر تحریم سنگین از جانب غربی‌ها تعبیر به "خودزنی" می‌شود. ایران در مقایسه با چین و روسیه تهدیدی برای آمریکا و غرب محسوب نمی‌شود. اما چین و روسیه به دلیل گره زدن منافع اقتصادی اروپا و آمریکا به اقتصاد و انرژی خود از تحریم‌های کمرشکن مصون مانده‌اند.

۳. روسیه با صادرات ۱۸۰ میلیارد متر مکعب گاز به اروپا ۳۹ درصد مجموع گاز وارداتی اتحادیه اروپا و ۳۰ درصد بازار نفت وارداتی اتحادیه را در انحصار خود دارد و این بزرگترین تضمین امنیتی-اقتصادی روسیه است.

به پشتوانه چنین گره خوردگی اقتصادی است که در بحران اوکراین اتحادیه اروپا تنش‌ها با مسکو را در حد اعلا سوق نداد. حال تصور کنید اگر خط لوله انتقال گاز ایران به اروپا با موفقیت تام ادامه می‌یافت و با سرمایه‌گذاری زیاد هر سال بر ظرفیت آن افزوده می‌شد آیا خود این پروژه اقتصادی مهم علاوه بر درآمد سرشار تضمین و پشتوانه هرموافقت نامه سیاسی از جمله برجام نمی‌بود؟ آیا اتحادیه اروپا بین روسیه و ایران، ایران را ترجیح نمی‌داد؟

اگر ایران هم مثل ترکیه به هاب مونتاژ و صادرات لوازم خانگی آلمان و ایتالیا و خودروسازهای بزرگ اروپا تبدیل می‌شد آیا گره خوردگی اقتصادی تضمین‌های آینده نمی‌شدند.

چین که آمریکایی‌ها آن را بزرگترین تهدید آینده امنیت ملی خود می‌دانند با هوشیاری اقتصاد صدها شرکت بزرگ آمریکایی را به اقتصاد خود گره زده است. برای مثال ۲۵ درصد درآمد کل شرکت اپل و ۱۰ درصد درآمد کل کترپیلار و متوسط ۱۵ درصد درآمد General Motors، Ford، Nike

درچین حاصل می شود که سیاستمداران آمریکایی نمی توانند در قبال آن بی اعتنا باشند.

۴. گرہ زدگی اقتصادی از این نوع به معنای استثمار نیست و حتی حالت برد-برد اقتصادی دارد. روسیه هم علی رغم تنش های سیاسی پیاپی از چنین سیاستی در قبال آمریکا بهره می برد. روس ها راه ورود سرمایه های بخش خصوصی آمریکا به اقتصاد خود را باز گذاشته اند و بخش خصوصی آمریکا هر سال ۹.۲ میلیارد دلار فروش کالا و خدمات به روسیه دارد!

اگر در روزه ایجاد شده در پسابرجام ما از تمایل بخش خصوصی آمریکا برای ورود به اقتصاد ایران بهره می جستیم و می توانستیم از زیرساخت های خودروسازی و صنایع و پشته های نیروی انسانی مختلف بهره برده و اقتصاد ایران را فراتر از فرش و پسته به صنایع عظیم خودروسازی و انرژی آمریکا که همه خصوصی اند، گرہ بزنیم دولت پوپولیست ترامپ هرگز به راحتی نمی تواند زیر برجام بزند. چون می بایست پاسخگوی میلیاردها دلار زیان صاحبان سرمایه بخش خصوصی آمریکا می شد. دقیقاً به خاطر همین گرہ خوردگی اقتصاد آمریکا با چین بود که درشت گویی هایی ترامپ برضد چین وارد فاز تحریم های گسترده نشد. برجام هم می تواند سرنوشتی شبیه پیمان NAFTA پیدا کند که ترامپ از آن یکسویه خارج شد اما با اندک تعدیلی احیا شد.

۵. واقعیت فرابرجامی اما مرتبط با برجام این است که ما در گرہ زدن منافع حیاتی کشورهای مختلف حتی همسایگانمان به اقتصاد خود بسیار عقب مانده ایم. روسیه با رساندن گاز خود به پاکستان و هند طرح خط لوله صلح ایران به پاکستان و هند را که اهمیت فوق العاده استراتژیک داشت خنثی کرد. با عدم اجرای قرارداد صادرات گاز به امارات موسوم به کرسنت فرصت وابستگی امارات به گاز ایران و بالتبع اقتصاد ایران هم از بین رفت.

بازار گاز و برق ایران در عراق هم بسیار متزلزل شده است. صادرات برق ایران به کشورهای همجوار هم در اثر تحریم ها بسیار آسیب دیده است.

تحریم عملاً ایران را از معادلات انرژی که امنیت کشورها به آن گرہ خورده است حذف کرده است و رقبای منطقه ای و فرمانطقه ای به سرعت در حال تبدیل کردن ایران به کشوری بی اهمیت در معادلات ژئوپلیتیکی دنیا هستند بنابراین هر روز تاخیر در بازگشت به اقتصاد دنیا ایران را از کریدورهای انرژی و مواصلاتی برای همیشه حذف خواهد کرد. قدرت واقعی و امنیتی کشورها بر اساس تولید ناخالص داخلی است.

اگر ایران منزوی شده ما امروز ۲۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی دارد یعنی قدرتش شکننده تر از چند سال پیش است که حدود ۶۰۰ میلیارد دلار در امد ناخالص داشت و به تبع آن قدرت چانه زنی در مذاکرات اش هم متناسب با GDP اش توسط کشورهای رقیب در مذاکرات مختلف تنظیم می شود!

۶. سیاست کشورهای دموکراتیک با اقتصاد آنها تنیده شده است. یادمان هست علی رغم حمایت اتحادیه اروپا توتال و بی پی و پژو و حتی ال جی و سامسونگ در پی تهدید های دولت ترامپ به سرعت از ایران خارج شدند.

بنابراین در تعامل یا مذاکره با طرف های غربی باید در نظر داشته باشیم که تعامل اقتصادهای لیبرال هرم وارونه است و از نوع پائین به بالا با تفوق صاحبان سرمایه های خصوصی است. برخلاف کشورهای دیگر که صاحبان صنایع گوش به زنگ سیاستمداران هستند در کشورهای دموکراتیک صاحبان صنایع و سرمایه های خصوصی گوش سیاستمداران را در اختیار خود دارند. بنابراین درگیر کردن بخش خصوصی آمریکا در اقتصاد ایران راه را بر تحریم های پی در پی ایران در توسط کاخ سفید و کنگره و سنا خواهد بست.

۷. برجام تا زمان تصویب آن در سال ۲۰۱۵ مسیری طولانی را طی کرده بود که از مذاکرات محرمانه وزیر خارجه وقت دکتر صالحی در سال ۲۰۱۱ شروع و مادامی که ایران و آمریکا مستقیماً وارد مذاکره نشدند، توافقی حاصل نشد.

حال اینکه لزوم مذاکره مستقیم با آمریکا واقعیت دنیای تک قطبی است یا هر چیز دیگر؛ خروج یک جانبه آمریکا در زمان ترامپ نشان داد که حمایت های سایر کشورها از برجام در قالب بیانیه های متعدد تأثیری ملموس بر شکست تقریبی این توافق بدون پایبندی آمریکا نداشت. بنابراین مذاکرات اگر کماکان بر ۱+۴ بودن آن تأکید شود صرفاً فرسایشی خواهد بود و به نتیجه ملموسی ختم نخواهد شد.

۸. نکته مهم دیگری که امروز آشکار شده است این است که هر چند در چندین بیانیه تأکید شد که برجام حاصل تشریک مساعی و همکاری قدرت های مهم بود و اثبات کرد که برای صلح و ثبات دنیا قدرت های دنیا می توانند با هم همکاری کنند اما واقعیت این است که کشورهای حاضر در مذاکرات به دنبال نفع خود از آن بودند و حتی برخی از کشورها به دنبال به شکست کشاندن برجام بودند.

بنابراین واقعیت های پشت پرده و منافع ملی کشورها در پس ژست های دیپلماتیک و تعارف های بیانیه محورینهان شده است. بنابراین ما باید بپذیریم در این دنیای ناآرام هم پیمان استراتژیک نداریم و صرفاً مرهون ذکاوت خویش و همت ایرانیان وطن دوست خواهیم بود.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: عصر ایران